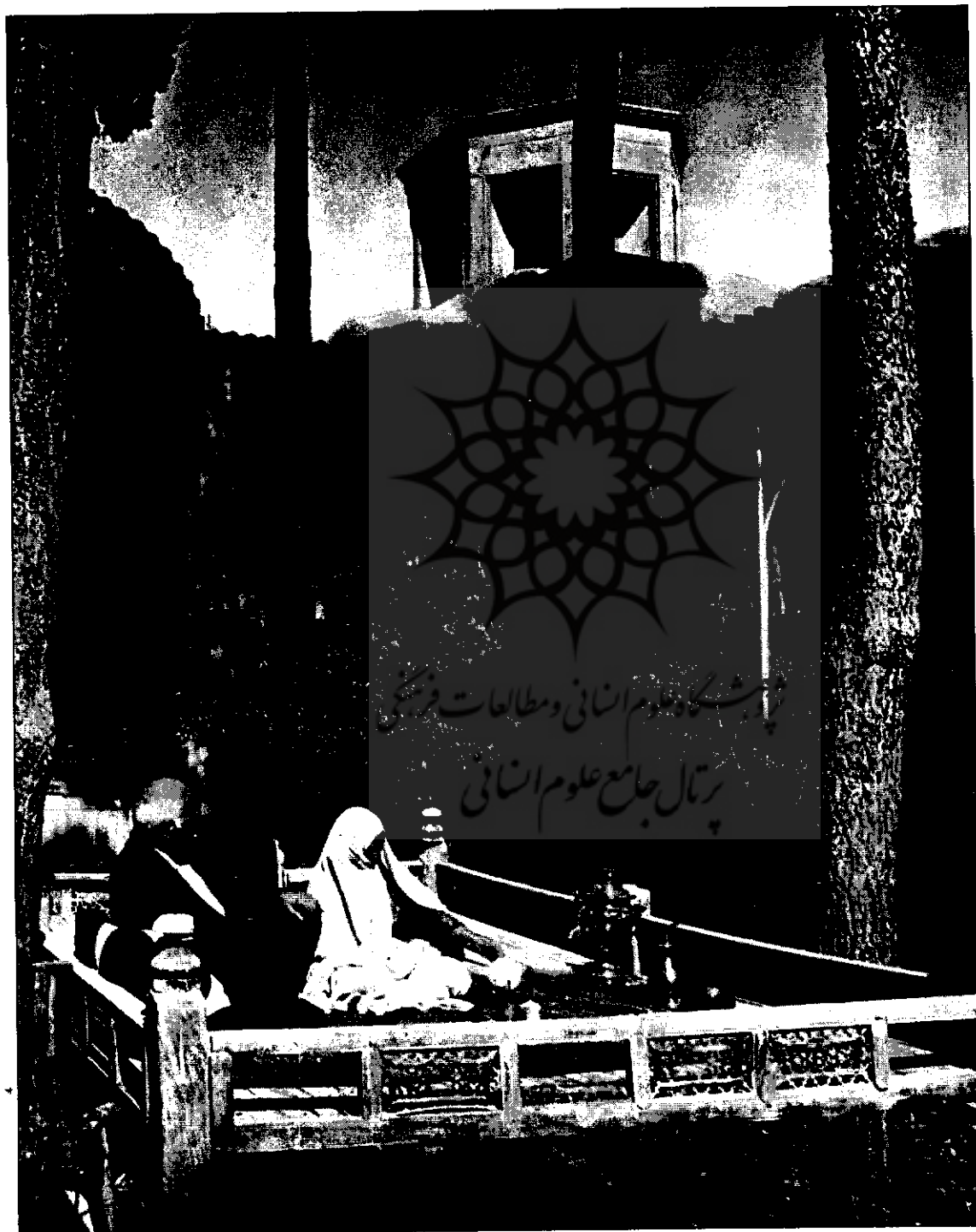


زندگی و آثار حاج مصورالملکی

محسن یوسفی* / تلخیص: سیدمهدی سجادی نائینی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

محمدحسین به خاطر می آورد که پدر به او گفته بود، اگر می خواهد نقاش بشود باید از اسارت صورت به در آید و سیرت و باطن اشیاء را بشناسد.
محمدحسین این گفته های پدر هنرمندش را در کودکی به خاطر می سپرد تا به هنگام بالندگی از آنها بهره ها گیرد.

کودکی به خاطر می سپرد تا به هنگام بالندگی از آنها بهره ها گیرد.

محمدحسین در کارگاه پدر، با رموز قلمدان سازی، مقواسازی و نقاشی آشنا شد به طوری که به هنگام مرگ پدر، یعنی در ۱۳ سالگی بسیاری از دقایق و ظرایف این هنر را می دانست و از همه مهمتر، زندگی را شناخته بود، چرا که یکی از تعالیم پدر این بود که «... اگر می خواهی حقیقت و جوهر هنر را بشناسی اول زندگی را بشناس...»^۱

مرگ پدر، محمدحسین ۱۳ ساله را ناگزیر ساخت در شرایط بسیار سختی مسئولیت کارگاه آن مرحوم را به عهده گیرد تا بتواند زندگی مادر و سه خواهر کوچکترش را اداره کند. اگرچه او بسیاری از رموز قلمدان سازی را می دانست، اما اطلاعات او به حدی نبود که بتواند به تنهایی سفارشات را انجام دهد، ناگزیر سعی بیشتری در آموختن کرد و طولی نکشید که کلیه کارها را به تنهایی انجام می داد.^۲

در آن روزگار دو نوع قلمدان ساخته می شد. نوع اول که کوچکتر بود «سوزن دان» نام داشت و برای هر صد عدد آن یک تومان اجرت می دادند و برای هر صد قلمدان نوع دوم، دو تومان. این اجرت ناچیز برای تمامی کارها، اعم از مقواسازی، نقاشی، طلاکاری و روغن کاری پرداخت می شد.

* - دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته هنر (رسالة تحصیلی).

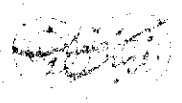
۱- مجله هنر و مردم، ش ۱۰۲ و ۱۰۳، صص ۴۸-۴۹.

۲- همان مأخذ، ص ۲۰.

مرحوم استاد حاج محمدحسین مصورالملکی، مشهور به حاج مصور، طراح، نقاش، شاعر و مینیاتوربست بلند آوازه اصفهانی، در سال ۱۲۶۹ شمسی، برابر با ۱۷ شعبان ۱۳۰۹ هجری قمری در یکی از خانه های قدیمی اصفهان به دنیا آمد. او فرزند مرحوم محمدحسن نقاش قلمدان ساز بود. پدران محمدحسن، نیز تا عهد صفویه نقاشان نامداری بوده اند که هر یک در زمان خود از شهرت و آوازه بسیاری برخوردار بودند.

محمدحسین تا ۱۰ سالگی به تحصیل در مکتبخانه های آن روزگار مشغول بود و همچون همسالانش کودکی را به بازیگوشی و کارهای کودکان سپری کرد. وی در همین دوران در کارگاه پدر به شاگردی مشغول شد تا به رموز نقاشی و قلمدان سازی آشنا گردد. پدر محمدحسین به نقاشی علاقه ای در حد تعصب داشت و آرزو می کرد فرزندش نیز همچون او و پدرانش نقاشی پیشه کند و با دقایق و ظرایف این صنعت آشنا شود، به همین علت بود که گاه فرزند را در هفت هشت سالگی به کارگاهش می برد و به او سفارش می کرد تا موسیقی رنگها را بشناسد.

برای محمدحسین در آن سالها، اگرچه درک گفته های پدر مشکل بود، اما بدون تردید این سخنان باعث شد تا وی بعدها با تعمق در گفتارهای پدر، بتواند این موسیقی را بشناسد. سالها بعد محمدحسین به خاطر می آورد که پدر به او گفته بود، اگر می خواهد نقاش بشود باید از اسارت صورت به در آید و سیرت و باطن اشیاء را بشناسد. محمدحسین این گفته های پدر هنرمندش را در



از سوانح زندگی مرحوم حاج مصور، سوختگی شدید دست او بود که در حدود ۲۵ سالگی، هنگام تهیه روغن کمان روی داد. این حادثه باعث شد مدت‌ها دست استاد از کار بازمانده، پس از بهبود نیز تا آخر عمر دچار رعشه و لرزش باشد.

با انقراض قاجاریه، مینیاتور در ایران پیشرفت محسوسی کرد و مینیاتورهایی که به شیوه صفویه نقاشی شده بودند مورد توجه جهانگردان و مسافران اروپایی قرار گرفت. بنابراین، او نیز همچون دیگر نقاشان ایرانی به تصویر کردن مینیاتورهای عصر صفویه پرداخت.

از سوانح زندگی مرحوم حاج مصور، سوختگی شدید دست او بود که در حدود ۲۵ سالگی، هنگام تهیه روغن کمان (که برای ساخت قلمدان استفاده می‌شد) روی داد. این حادثه باعث شد مدت‌ها دست استاد از کار بازمانده، پس از بهبود نیز تا آخر عمر دچار رعشه و لرزش باشد.

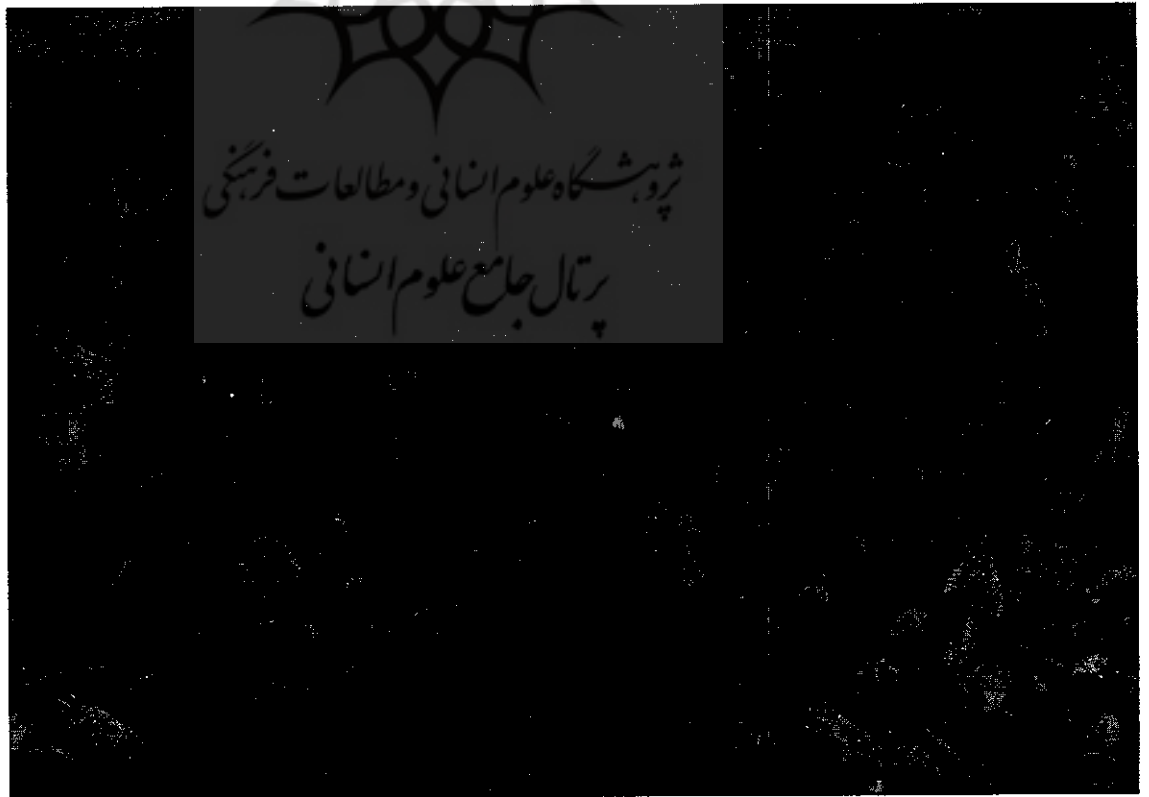
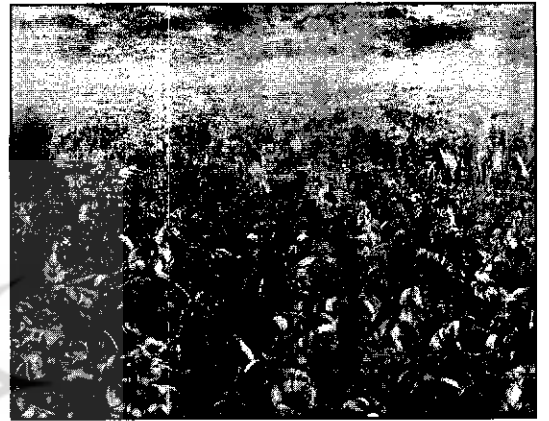
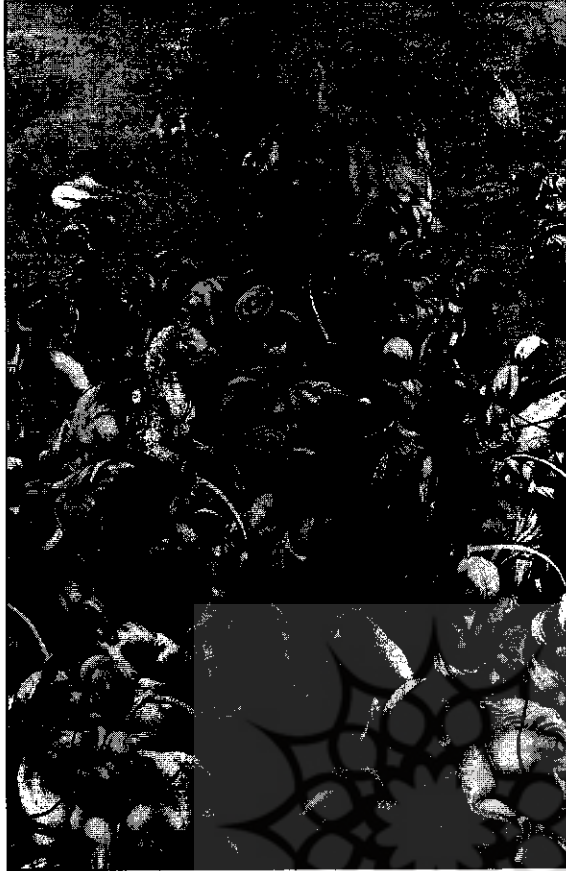
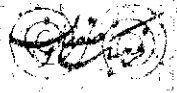
آنچه بسیار مهم است اینکه مرحوم حاج مصور با دست لرزان آثاری از خود بر جای گذاشت که اکثر آنها از شاهکارهای مسلم هنری به حساب می‌آیند. استاد اکبر تجویدی در این باره می‌نویسد: «... تعجب هنگامی به حداکثر می‌رسد که انسان به چشم خود می‌بیند که این هنرمند بزرگ وقتی می‌خواهد جای بنوشد استکان چای در دستش می‌لرزد و قدری از آن در نعلبکی سرازیر می‌شود، ولی وقتی همین دست روی کار می‌آید دیگر کمترین لرزشی ندارد و به صورت دستی در می‌آید که گویا از آهن و فولاد ساخته شده باشد».^۵ آن مرحوم برای آنکه بر رعشه دست مسلط شود، شیوه خاصی داشت. او دو انگشت زیرین را

محمدحسین نوجوان ناگزیر بود با این اجرت اندک که در بیشتر موارد به صورت نسیه و قسطی نیز بود، خانواده پنج نفری تحت سرپرستی‌اش را اداره کند. سالیانی با این مرارت‌ها سپری شد و محمدحسین راضی و خشنود بود که توانسته است زندگی خود و خانواده‌اش را به نحو آبرومندی تأمین کند. انقلاب مشروطیت برای مدتی کار استاد جوان را با رکود روبه‌رو کرد. این رکود به حدی بود که چرخ زندگی او با مرارت و پریشانی به گردش در می‌آمد. اما مناعت طبع و عزت نفس، او را از هر شکوه‌ای باز می‌داشت. اگرچه گاهی چند روزی را گرسنه سپری می‌کرد.^۳

با استبداد محمد علیشاهی و به توپ بستن مجلس، اصفهان نیز همچون سایر شهرهای بزرگ کشور، گرفتار هرج و مرج گردید و بازارها یکسره بسته شدند. دامنه تظاهرات مردم به حدی گسترش یافت که بانوان نیز در زیر چادر اسلحه حمل می‌کردند و مبارزان را یاری می‌رساندند. طبیعی است که در این روزهای تنگ، هنر خریداری نداشت، اما مرحوم مصور ناگزیر بود خانواده‌اش را اداره کند. و او چنین می‌کرد، اگرچه بارنج بسیار... پس از استقرار مشروطیت، که هنر قلمدان‌سازی به کلی منسوخ شد، مرحوم حاج مصور برای امرار معاش، نقاشی بر روی پارچه قلمکار را شروع کرد. وی بعدها در زمینه پرتره و تذهیب و تشعیر هم دست به تجربه زد. و سرانجام رنگ و روغن را وارد کارهایش کرد، اگر چه به قول خودش: «... در تمامی این مراحل یک نقاش گمنام بود در میان صدها نقش گمنام دیگر».^۴

۳- همان مأخذ، ص ۴۸. ۴- همان مأخذ، ص ۴۹.

۵- اکبر تجویدی، معرفی یک هنرمند واقعی، مجله یغما، سال دهم (۱۳۳۶)، ص ۳۲۷.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بر روی کاغذ مستقر می‌کرد، سپس با دو انگشت بالایی که قلم را گرفته بود، به صورت «پرش» خط می‌کشید و نقاشی می‌کرد. از حدود سال ۱۳۰۰ شمسی که استاد به ۴۰ سالگی رسیده بود، دوران سختی‌های زندگی وی به پایان رسید و در سایه آرامش و فراغی که به دست آورده بود توانست در رشته‌های مینیاتور، شبیه‌سازی، رنگ و روغن و آبرنگ و تذهیب به استادی برسد. او شاگردان بسیاری را در این رشته‌ها آموزش داد و سفارشات فراوانی از کشورهای خارجی دریافت کرد.

مرحوم حاج مصور در سال ۱۳۰۷ از مسیر روسیه، لهستان، آلمان و بلژیک به فرانسه مسافرت کرد و طی ۶ ماه اقامت در پاریس، در مورد مکاتب مختلف نقاشی مطالعه نمود. در این سفر وسعت مکتبهای نقاشی و آثار هنرمندان غربی او را بهت‌زده کرد. در همین سفر بود که با پرفسور «پوپ»^۶ ایران‌شناس مشهور آشنا شد. پوپ که سرگرم تألیف کتاب معروف «بررسی هنر ایران» بود از وی درخواست کرد تا در تهیه تصاویر این کتاب او را یاری دهد. استاد درخواست پوپ را پذیرفت و نقاشی‌های فرش کتاب را انجام داد.

مرحوم مصورالملکی علاوه بر احاطه‌ای که در رشته‌های مختلف نقاشی داشت از جوانی شعر می‌سرود و از همان آغاز به عضویت انجمن دانشکده اصفهان درآمد. علاوه بر آن در جلسات انجمن‌های ادبی شیدا و سعدی نیز شرکت می‌کرد. تخلص مرحوم حاج مصور در شعر «مصور» بود.

علاقه این هنرمند بزرگ به شعر و ادبیات فارسی به حدی بود که در سال ۱۳۱۴ به مناسبت هفتصدمین سال تصنیف گلستان، تصویری از شیخ اجل سعدی شیرازی تهیه کرد که موضوع آن چگونگی تألیف گلستان، بنا به روایت خود شیخ اجل بود. تصویری که آن مرحوم از این خداوندگار ادب فارسی ترسیم کرد، آنچنان مورد توجه اولیای امور قرار گرفت که مقامات وزارت فرهنگ وقت، آن را با همان رنگ‌آمیزی اصلی در

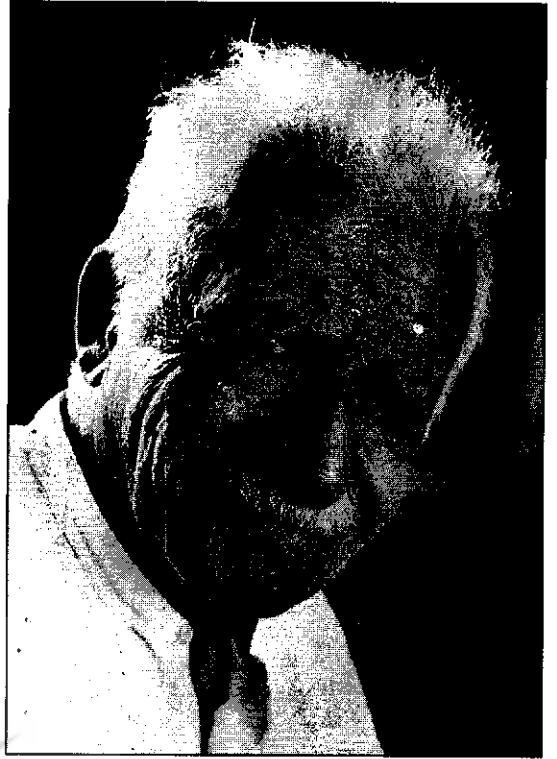


آلمان چاپ و منتشر کردند.^۷ استاد مصورالملکی در سال ۱۳۴۶ دچار عارضه سکته ناقص مغزی شد و دست راست او فلج گردید. بالاخره همین عارضه، به خلق آثار هنری این استاد بی‌بدیل پایان داد. استاد مصورالملکی در ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۶ خورشیدی چشم از جهان فرو بست و در تخت فولاد، محلی که امروز گلستان شهدا در آن واقع است به خاک سپرده شد.

با مرگ او چشمه فیاضی از هنر و خلاقیت از

۶- پرفسور آرتور آپهام پوپ، کارشناس برجسته و بی‌نظیر معماری ایران بود که از آغاز قرن چهاردهم خورشیدی با سفرهای پی‌درپی به سراسر ایران، آثار کشور ما را مورد بررسی قرار داد. پوپ کلیه آثار هنری ایران را شناسایی کرد و درباره آنها به تحقیق پرداخت. حاصل این تلاش انتشار یک دوره به نام بررسی هنر ایران (A surey Persain Art) است که مهمترین نشریه هنری است که درباره ایران منتشر شده است. این محقق آثار دیگری نیز درباره ایران تألیف کرده است.

۷- حبیب یغمایی، حسین مصورالملکی، مجله رادیوایران، شماره ۳۴، تیرماه ۱۳۳۸، ص ۱۳.



تابلو تخت جمشید: که آن را از بهترین آثار حاج مصور می دانند. خود استاد نیز می گفت که آن را با هیچ گنجی از دست نمی دهد. خلق این شاهکار ۴ سال به طول انجامید. این تابلو با الهام از شیوه مینیاتور صفویه کشیده شده است. اندازه این اثر ۵/۹۹×۷۰ سانتی متر و به شیوه آب رنگ روی مقوا کار شده است.

گفتنی است در نمایشگاه بین المللی بروکسل که در سال ۱۹۵۸ میلادی برگزار شد تابلو تخت جمشید برنده مدال درجه اول طلا گردید.^۸

تابلو مسجد خیالی: این تابلو که در اندازه ۵/۹۹×۷۰ سانتی متر نقاشی شده است، صحنه ای از یک مسجد است که گروهی برای اقامه نماز آماده می شوند. این تابلو به سفارش پرفسور پوپ برای کوئین مری ملکه انگلستان تهیه شده و با آبرنگ و به شیوه کمال الدین بهزاد کار شده است.

استاد برای ایجاد فضای روحانی تابلو مورد نظرش، هر روز ساعتها در مسجد به سر می برد تا به قول خودش لحظه هایی را که می خواست در تصویر جان ببخشد شکار کند.^۹ ارسال این اثرباعث شد تا استاد به دریافت یک مدال مخصوص ژرژ پنجم و ملکه انگلستان نایل گردد.

تابلو جنگ جهانی دوم: این تابلو با اندازه ۵/۳۲×۵۲۲ سانتی متر و به شیوه آبرنگ و مینیاتور دوران صفوی تهیه شده است.

مرحوم مصور در این تابلو که موضوع آن از داستان رستم و اشکیوس شاهنامه فردوسی الهام گرفته، پایان جنگ را پیشگویی کرده و در آن، شکست دول محور را نشان داده است. در این اثر هویت ایرانی کاملاً مشهود است. در اطراف تابلو اشعاری از شاهنامه فردوسی به چشم می خورد. پس از ارسال این تابلو، سران دول متفق چرچیل، روزولت و چیانگ کای چک، ضمن ارسال نامه های صمیمانه

میان رفت. پس از انتشار خبر خاموشی استاد، بسیاری از استادان و هنرمندان نامدار کشورمان با انتشار اطلاعیه ها و تحریر مقالات، ضمن تجلیل او از فقدان او اظهار تأسف کردند.

آثار هنری برجای مانده از حاج مصورالملکی از شهرت بی نظیری برخوردار است و بسیاری از آنها زینت بخش موزه های بزرگ و معروف دنیا هستند.

استاد حاج مصور، در طول زندگی پربار و سراسر تلاش خود با استادی تمام در زمینه های گوناگون هنری به خلق آثاری پرداخت که از جمله آن شبیه سازی از خود و دیگران، نقاشی دیواری به شیوه نقاشی قهوه خانه ای، نقاشی روی پارچه قلمکار، طرح های متنوع و جدید برای فرش، طراحی برای کاشی، نقاشی روی جعبه های مختلف قلمدان، طراحی برای قلمزنی، تصویرسازی برای کتب مختلف و...

اگر چه معرفی کامل این آثار از حوصله این مقال خارج است اما بجاست اشاره مختصری به برخی از شاهکارهای استاد داشته باشیم:

۸- هنر و مردم، شماره ۲۴، ص ۲۲.

۹- محسن یوسفی، سیری در آثار و زندگی حاج حسین مصورالملکی، پایان نامه نقاشی، دانشگاه تهران، ۷۳، ص ۱۰۹.



شده است. مرحوم حاج مصور این تابلو را براساس داستان مشهور شیخ صنعان عطار نیشابوری ساخته و شعری نیز از سروده‌های خود بر بالای آن نوشته است.

تابلو مجنون: به شیوه آبرنگ و اندازه تقریبی ۴۵×۳۵ سانتی متر تهیه شده است. این اثر بر اساس قواعد آناتومی ساخته شده است. در این تابلو مجنون به صورت نشسته نشان داده شده است. به طوری که به هر جا نظر می‌افکند لیلی را می‌بیند.

تابلو جشن حیوانات: اندازه این تابلو ۷۲/۵×۵۷/۵ سانتی متر است. و به شیوه آبرنگ و قلم‌گیری تند و کُند بر روی فیبر و با زمینه مرغش کشیده شده است.

این تابلو را مرحوم مصور بر اساس این شعر شاه نعمت‌الله ولی ترسیم کرده است.
شیر با گرگ و گرگ با آهو

در جِرا برقرار می‌بینم
مرحوم حاج مصور خود می‌گفت پس از جنگ آزمونند بوده درباره صلح نقاشی کند و تابلو جشن

از وی تشکر کرده، و ذوق و سلیقه مخصوصی را که در این اثر جالب به کار رفته، ستوده‌اند.

پرتو حاج مصورالملکی: این تابلو در اندازه ۸۰×۶۰ سانتی متر بر روی پارچه و به شیوه رنگ و روغن کشیده شده است. مرحوم حاج مصور این اثر را در سال ۱۳۳۸ از چهره خود ساخته است. در پایین تابلو اشعاری از سروده‌های خود استاد به چشم می‌خورد.

تابلو جنگ نادرشاه افشار با محمدشاه هندی: این اثر در اندازه ۴۹×۴۶/۵ سانتی متر با آبرنگ و به شیوه قاجاری بر روی مقوا کشیده شده است. در این تابلو که صحنه‌ای از جنگ سپاهیان ایران و هند در کرنال به نمایش گذاشته شده، لشکر عظیمی نشان داده می‌شود که شامل توپخانه و فیلان و شتران حامل آتش هستند. استاد برای این تابلو نیز اشعاری به شیوه شاهنامه فردوسی سروده است.

تابلو شیخ صنعان و دختر ترسا: اندازه این اثر ۶۲×۴۸ سانتی متر است که با آبرنگ و به شیوه صفوی و متأثر از ماک نقاش آلمانی، بر روی مقوا ساخته



مصور، هنرمندی جهانی بود که به اعتقاد اغلب هنرمندان و کارشناسان مسائل هنری به خصوص نقاشی، از عصر صفویه تا کنون هنرمندی که بتواند در میدان هنرهای گوناگون همچون مرحوم حاج مصور یکه تازی کند در ایران به وجود نیامده است. مرحوم حاج مصور در خانه‌ای قدیمی زندگی می‌کرد. این خانه در واقع یک موزه کوچک هنری است که فضای مینیاتوری عصر قاجار و صفویه را در اذهان زنده می‌کند. بجاست سازمان میراث فرهنگی به این خانه ارزشمند و میراث ارزشمندی که در آن وجود دارد توجه خاص مبذول دارد. مرحوم مصورالملکی عاشق هنرش بود و آرزو داشت بتواند تا آخرین لحظات زندگی پربارش نقاشی کند و شاهکارهای بیشتری خلق نماید، اما افسوس که در سالهای آخر عمر عارضه سکته دست هنرآفرین او را از کار انداخت. روحش شاد و قرین آرامش ابدی باد

۱۰- همان مأخذ، ص ۱۲۴.

حیوانات را به همین منظور نقاشی کرده است.^{۱۰} تابلو گردش اسلیمی و ختایی: این تابلوها که ۴ عدد هستند در اندازه ۶۴/۵×۵۰ از روی یک قاعده هندسی نقاشی شده‌اند.

تابلو چوگان بازی: این اثر نیز یکی از بهترین کارهای مرحوم حاج مصور است. در این تابلو میدان نقش جهان نشان داده می‌شود که در آن بزرگان حکومت صفویه در حال چوگان بازی هستند. متأسفانه این تابلو در محلی کنار رود تایمز بود که در جنگ جهانی دوم با بمباران ارتش آلمان نابوده شد.

همچنین تابلوهای شیخ و قلیان در اندازه ۱۵×۲۰، بشقاب مینا، شکارگاه در اندازه ۲۱/۳۰×۱۱/۸ سانتی متر و پرش از روی مانع از دیگر آثار استاد مصورالملکی هستند.

در مورد مرحوم حاج حسین مصورالملکی مطالب فراوان نوشته شده و هنرمندان نظرات گوناگونی درباره وی ابراز کرده‌اند که نقل آنها سخن را به درازا خواهد کشاند.

آنچه درباره او می‌توان گفت اینکه مرحوم حاج